ادامه از صفحه ۵

واکاوی مشکلات زراعت در راستای تقویت جایگاه آن در اقتصاد ملی

قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها چیست؟ نوع نگاه و نگرش به فناوری و مدیریت دانش چیست و چگونه باید باشد؟ نوع نگرش به مشارکت و سپردن کار به مردم چیست و باید چگونه باشد؟ الگوی ایجاد انگیزه و رغبت برای جذب سرمایه و نیروی کار خلاق و کارآفرین چیست؟ تعامل با جهان خارج که بازی برد-برد را به دنبال داشته باشد، برای بخش زراعت در موضوعات مختلف از تحقیق گرفته تا ترویج و آموزش و فناوری و جذب سرمایه‌گذاری خارجی و مقابله با بحران‌های آب و خاک و منابع طبیعی چه الگو و مکانیسمی است؟ و بسیاری دیگر از موضوعاتی که برنامه‌ریزی برای آنها در ابتدا نیازمند شناخت نگرش، نوع رویکرد، الگو و سیستم است تا بتوان از این طریق برنامه‌های مدون کوتاه‌مدت و بلندمدت برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار تدوین و اجرا کرد. اینکه چگونه نگاه کنیم؟ به چه کسانی نگاه کنیم؟ و به چه دلیل نگاه کنیم؟ مسائل اصلی و کلیدی تفکری و مفهومی بخش زراعت است که نیازمند بازتعریف مجدد با توجه به شرایط موجود و پیش‌بینی آینده کشور و جهان است. در بخش دوم مشکلات عدیده‌ای وجود دارد که ناشی از وجود مشکل اندیشه‌ای و مفهومی است که می‌توان به مهم‌ترین مشکلات این زیربخش به شرح ذیل اشاره کرد: کمبود سرمایه‌گذاری و انباشت سرمایه، عدم تطابق و سازگاری کارمزدهای وام‌های بانکی با درآمد کشاورزان، بحران در مدیریت آب و سازگاری ناکافی سیستم‌های آبیاری با شرایط منطقه‌ای و بر حسب نوع محصول، مشکل خاک و فقر خاک، کوچک‌بودن اراضی زیر کشت و پایین‌بودن درآمد کشاورزان، ناپایداری درآمدی در بخش، پایین‌بودن نرخ پس‌انداز کشاورزان (به‌دلیل پایین‌بودن درآمد و ناپایداری آن)، نامناسب‌بودن تکنولوژی موجود با شرایط تولید بخش (مثل ماشین‌آلات)، ناکافی‌بودن به‌کارگیری تکنولوژی و فناوری در راستای افزایش بهره‌وری و کارایی، توجه ناکافی به سازماندهی و قانون‌مداری زنجیره عرضه محصولات، مشارکت ضعیف و پایین کشاورزان در تصمیم‌سازی و اجرای برنامه‌ها و سیاست‌ها، ناکافی‌بودن تحقیق و توسعه و ترویج یافته‌های علمی به کشاورزی در سطح مزرعه، تعاملات اندک با جهان خارج در زمینه‌های مختلف از قبیل انتقال فناوری، سرمایه‌گذاری خارجی، برندسازی و تشکیل شرکت‌های چندملیتی درخصوص تجارت محصولات زراعی، وجود ضایعات بالا در زنجیره عرضه قبل از تولید تا سفره، تغییرات اقلیم و خشک‌سالی، توجه ناکافی به تأمین اجتماعی و رفاه کشاورزان و سایر بازیگران زنجیره عرضه، توجه ناکافی به حفظ و صیانت از منابع طبیعی، آب و خاک، نامناسب‌بودن فضای کسب‌وکار در درون زنجیره عرضه، انحصار و وجود رانت اقتصادی در تجارت نهاده‌ها و محصول، نبود ساختار مدیریت مسئول و پاسخ‌گو، توجه ناکافی به توسعه نهادهای غیردولتی توانمند و مسئولیت‌پذیر و توجه ناکافی به برندسازی و استانداردها و کیفیت محصول و غذای سالم. هر کدام از این مشکلات بدون شفاف‌سازی تفکر اندیشه‌ای و مدل مفهومی قابل برنامه‌ریزی و اجرا نیست. به‌عنوان مثال اگر مشخص نباشد رویکرد برنامه‌ریزی مشارکت از پایین به بالا باشد و نظرات همه ذی‌نفعان مهم است و باید الگوی این مشارکت چگونه باشد، نمی‌توان یک برنامه مناسب و مطلوب برای ساماندهی و قانون‌مداری زنجیره عرضه تدوین کرد. بنابراین توجه به هر دو بخش مشکلات برای نقش‌آفرینی بیشتر و بهتر بخش زراعت در اقتصاد ملی ضروری است. اینکه در کشورهای جهان چگونه توانسته‌اند بر مشکلات عمده بخش کشاورزی که مشابه مشکلات کشور ماست، فائق آیند؛ در نوشتارهای بعدی به آن اشاره می‌شود.

خبر

رئیس اتاق بازرگانی ایران:

باید با رأی‌دادن به کسی که برجام را به ارمغان آورد از او تقدیر کنیم

● **ایلنا:** رئیس اتاق بازرگانی ایران گفت: اگر می‌خواهیم از فضای پسابرجام کمال استفاده را ببریم، باید برای جذب سرمایه‌گذاری بین‌المللی، شفافیت پولی و مالی را به اقتصاد ایران وارد کنیم. بعد از آن ثبات در قوانین از مهم‌ترین مؤلفه‌های جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. رئیس اتاق بازرگانی ایران با اشاره به اهمیت برجام برای کشور گفت: باید با رأی‌دادن به کاندیدایی که به هر طریق ممکن سبب شد برجام برای کشور به ارمغان آید، از او تقدیر کنیم. غلامحسین شافعی ادامه داد: ما باید با ایجاد محیط مناسب از فضای پسابرجام استفاده کنیم. درحال‌حاضر تنها استفاده‌ای که از برجام شده، تقویت ارتباطات بین‌المللی در حوزه سیاسی و اقتصادی و بالارفتن صادرات نفت است که این امر نشان می‌دهد هنوز از فرصت‌ها استفاده نکرده‌ایم.

وی ادامه داد: اگر می‌خواهیم از فضای پسابرجام کمال استفاده را ببریم، باید برای جذب سرمایه‌گذاری بین‌المللی، شفافیت پولی و مالی را به اقتصاد ایران وارد کنیم. بعد از آن ثبات در قوانین از مهم‌ترین مؤلفه‌های جذب سرمایه‌گذاری خارجی است.

اختیارات شهردار تهران ۳۳ برابر یک وزیر

ادامه از صفحه۵

در کنار این اختیارات غیرعادی ملاحظه می‌کنید که شورای شهر به لحاظ قانونی جایگاه چندانی در طرح جامع توسعه شهری ندارند و زمان به‌کارگرفته‌شده برای تصویب کلیات بودجه سال ۹۶ شهر تهران با آن ابعاد که دارد، کمتر از یک ساعت بوده و سهمی نزدیک به ۵۰ درصد از کل منابع پیش‌بینی‌شده از محل فروش تراکم در آن در نظر گرفته شده است.

تهران، شهری غیرقابل سکونت

راغفر: بحث ما درباره اقتصاد سیاسی شهر تهران است و اینکه اصولا به نظر می‌رسد امروزه اجماعی بین محققان به وجود آمده که تهران مدت‌هاست از شهری قابل سکونت خارج شده و باید این فرایند تخریب متوقف شود؛ زیرا چشم‌انداز روشنی در جامعه دراین‌باره وجود ندارد. شهر تهران با ۱،۵ میلیون نفر جمعیت، ۷،۶ درصد جمعیت را داراست و استان تهران هم با ۲۵ درصد تولید ناخالص داخلی کشور، بزرگ‌ترین قطب اقتصادی کشور است؛ اما منبع اصلی خلق ثروت و ارزش افزوده در شهر تهران نه خلاقیت و نوآوری، تلاش و سخت‌کوشی بلکه دلالی و کاغذبازی و فساد سازمان‌یافته بوده و اقتصاد شهر تهران بر پایه یک اقتصاد نامولد استوار است. تهران سمبل کامل اقتصاد ایران است؛ اقتصادی که دیگر قادر به خلق ثروت نیست و اصلی‌ترین منشأ خلق ثروت در این شهر هم منبع طبیعی زمین بوده و خلق ارزش افزوده در آن تنها از طریق وضع قوانین روی این منبع خداداد با هدف تأمین منافع صاحبان سرمایه‌های مالی و تجاری صورت گرفته. مدعای این بحث روند، نرخ تورم بهای زمین، مسکن و اجاره در تهران از ۱۳۷۲ تا ۱۳۹۲ و مقایسه آنها با تورم است. از ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۴ قیمت زمین در تهران، ۱۶ برابر شده و قیمت مسکن ۱۲، ۱۳ برابر، اجاره ۱۲ برابر، تورم ۹ برابر. وقتی دولت فخیمه دست‌پاک سر کار آمد، ببینید منافع چه گروه‌هایی تأمین شد. از ۱۳۷۲ تا ۱۳۹۲ نرخ رشد زمین در تهران ۱۰۷ برابر شده. مسکن ۷۶ برابر، اجاره ۶۱ برابر، تورم هم ۳۹ برابر. چه عواملی باعث شده این افزایش سریع قیمت زمین را شاهد باشیم؟ واسطه‌گری یعنی سوداگری روی مسکن موجب شده در سال ۱۳۹۱، ۲۵ درصد تولید ناخالص داخلی کشور روی مسکن سرمایه‌گذاری شود. این رقم در همه جای دنیا بی‌سابقه است. مسکنی هم که ساخته شده، برای مصرف نیست، برای سرمایه‌گذاری است. به‌همین‌دلیل مسکن لوکس ساخته شده. مسکنی که قابل استفاده برای جمعیت عظیمی از شهروندان تهرانی نیست. منتها علت این رشد بی‌سابقه، نظام تصمیم‌گیری‌های اساسی است که قوانین و مقرراتی را روی زمین وضع می‌کند که اجازه چنین افزایش‌های بی‌سابقه‌ای را به قیمت زمین می‌دهد و سودهای بسیار زیادی را به جیب افرادی که به این شبکه قدرت وصل هستند، فراهم می‌کند. به‌همین‌دلیل شاهد یک نوع رشد هستیم که از آن به‌عنوان سرمایه‌داری کازینویی نام برده می‌شود؛ تبدیل شهر به عرصه رژه مصرف‌گرایی مبتذل و رشد نابرابری‌های تحقیرکننده. تهران به سرعت به سمت سائوپائولویی‌شدن پیش می‌رود؛ جایی که در آن منبع اصلی تغذیه مصرف‌گرایی فروش منابع زیرزمینی نفت و گاز بوده که از سوی نظام تصمیم‌گیری‌های اساسی یا نظام تدبیر و اداره امور به نفع گروه‌های حاکم و به زیان بقیه جامعه توزیع شده و موجب رویش یک اقتصاد انگلی و مافیایی شده است. از ۱۳۸۴ تا پایان ۱۳۹۴ شاهد سه سیکل تجاری در مسکن ایران هستیم. سیکل‌های تجاری در همه جای دنیا در مسکن دوره‌های ۲۰، ۲۵ساله دارد. در ایران در یک دهه، سه سیکل تجاری داشتیم و شاهد افزایش‌های بی‌سابقه در قیمت مسکن بودیم. ساخت مسکن و سودی که در مسکن وجود دارد و به تبع آن رکودی که در اقتصاد کشور حاصل می‌شود، ناشی از تورمی است که در این حوزه وجود دارد. تورم در مسکن موجب سود برای سازنده‌ها و فروشنده‌ها می‌شود و همین تورم، موجب رکود در همین بخش می‌شود. امروز شاهد هستیم به دلیل رکود، قدرت خرید مردم برای خرید چنین مسکن لوکسی از بین رفته. نکته درخورتوجه ریسک‌هایی است که این سرمایه‌گذاری بزرگ را در کشور تهدید می‌کند که عرض خواهم کرد. محصول نظام تصمیم‌گیری‌های اساسی، نابرابری‌های فاحش و رو به تزاید، فساد، فقر گسترده و کمرشکن بوده. جامعه به سرعت به سمت قطبی‌شدن کامل پیش می‌رود و مردم یا متعلق به گروه برنده‌ای هستند که در مناطق محافظت‌شده با محافظ شخصی زندگی می‌کنند که این ویژگی سائوپائولویی‌شدن اقتصاد است، یا دوزخیان زمین هستند و مادون طبقه را شکل داده‌اند. به این صورت جمعیت بزرگی را که در گروه‌های جرم و جنایت شرکت می‌کنند، متعلق به طبقه کار و کارگر نیستند و قربانیان نظام اجتماعی هستند که کارتن‌خواب‌ها و معتادان را شکل می‌دهند. اینها اشکال مختلف آسیب‌های اجتماعی محصول حاکمیت این شیوه تصمیم‌گیری و سلطه سرمایه‌های تجاری و مالی بوده؛ یعنی منافع صاحبان این سرمایه‌های تجاری و مالی محرک سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در کشور بوده و کماکان چنین است. یکی از ویژگی‌های این اقتصاد تجارت تن است. این اقتصاد مدت‌هاست که قادر به خلق شغل نیست و پدیده بی‌کاری ساختاری با همه عوارض آن، محصول حاکمیت چنین رویکردی در اقتصاد ایران است.

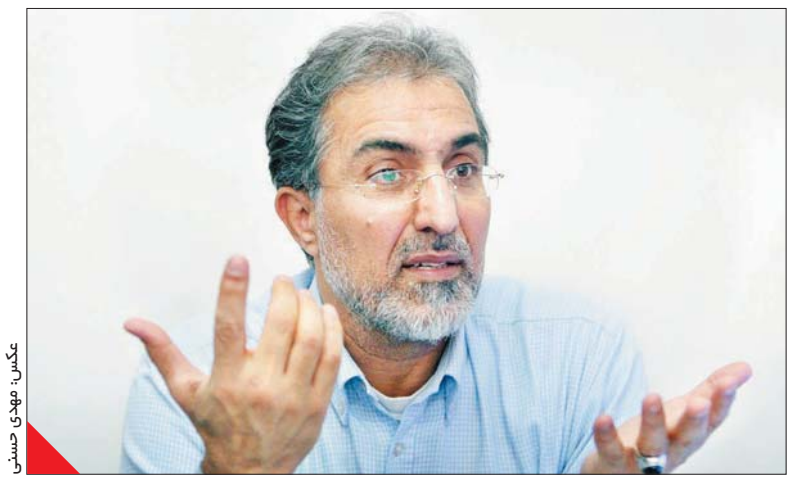

عکس: مهدی حسنی

اشتغال جوانان در ایران نصف میانگین جهانی

قیاس میانگین اشتغال کشور ما با میانگین جهانی از سال ۱۳۷۰ تا پایان ۱۳۹۳ نشان می‌دهد میانگین اشتغال مردان در ایران با اختلاف فاحشی نسبت به میانگین اشتغال مردان در دنیا زیر آن قرار دارد و درحالی‌که میانگین اشتغال زنان در جهان حدود ۵۰ درصد است، میانگین نرخ مشارکت زنان در بازار کار در ایران ۱۷ درصد و اشتغالشان ۱۳ تا ۱۴ درصد است، یعنی بخش قابل توجهی از ظرفیت خلق ثروت در جامعه بی‌کار هستند و البته خیلی‌هایشان می‌توانند مصرف‌گرا باشند و بخشی از ماشین مصرف‌گرایی در جامعه را تغذیه کنند. هم‌زمان شاهد رشد بی‌کاری جوانان در ایران هستیم که نسبتش با میانگین‌های جهانی بسیار فاحش است. ۲۲ درصد جمعیت ۱۵ تا ۲۴ سال واجد ورود به بازار کار فقط سر کار هستند و این میزان در مقیاس جهانی ۴۱ درصد است، یعنی تقریبا نصف میانگین جهانی.

بیش از ۵۵ درصد اقتصاد ایران، غیررسمی است

در جبران ناکامی‌های مدیریتی در این شهر شاهد یک نظام خودتنظیمی هستیم که در اشکال مختلف به سازماندهی خودش می‌پردازد یعنی جمعیت بزرگ بی‌کاری که وجود دارند بی‌کار نمی‌نشینند و ناگزیر هستند به فعالیتی بپردازند. به همین دلیل رشد قارچ‌گونه اقتصاد غیررسمی را در کشور شاهد هستیم. چند سال قبل محاسبات محافظه‌کارانه می‌گفت نرخ اشتغال غیررسمی در کشور ۳۷ درصد است که آمار همان زمان رقم بالاتری بود. این رقم در چند سال اخیر به دلیل رشد بی‌کاری و رکود در اقتصاد کشور به‌شدت افزایش پیدا کرده و بسیاری معتقد هستند این رقم بیش از ۵۵ درصد است؛ یعنی بیش از ۵۵ درصد بازار اشتغال در ایران مشاغل غیررسمی هستند که شامل کسانی هستند که مالیات نمی‌دهند و ضمنا بخشی از این مشاغل غیررسمی، مشاغل زیرزمینی هستند یعنی فعالیت‌های غیرقانونی هم دارند مثل فروش مواد مخدر، تن‌فروشی و بازار مبادله انسان. یکی از مصادیق فرایند خودتنظیمی در اقتصاد ایران، دست‌فروشی است که یکی از مواردی است که از آن به‌عنوان اقتصاد بازار رها نام برده می‌شود.

تهران، شهری رها از مدیریت

نظام تصمیم‌گیری‌های اساسی و مدیریت شهری، تهران را به صورت یکی از پرریسک‌ترین شهرهای جهان درآورده. در مطالعه‌ای که اخیرا از سوی دانشگاه کمبریج انجام شده و در آن پرریسک‌ترین شهرهای جهان را طبقه‌بندی کرده‌اند از بین ۳۰۰ شهر در دنیا تهران پنجمین شهر پرریسک جهان بعد از تایپه، توکیو، سئول و مانیل است. البته بسیاری از عوامل ریسک را که ما اینجا لمس می‌کنیم در این مطالعه دیده نشده. اگر آن ملاحظات هم اضافه می‌شد قطعا وضعیت ریسک در شهر تهران بدتر بود. توکیو در مقام دوم پرریسک‌ترین شهرهای دنیاست اما هم‌زمان به دلیل مدیریت مناسب شهری در بالاترین رتبه اول شهرهای ایمن دنیاست و علت پرریسک‌بودنش هم زلزله است، یعنی پیامدهای طبیعی. منتها در تهران که شهری رها از مدیریت است عده‌ای فقط برده‌اند هیچ نگاهی نسبت به آینده مشکلات و مسائل شهر وجود ندارد. هیچ برنامه و تصویری از اینکه ترافیک شهر در پنج سال آینده چه خواهد بود وجود ندارد. این امر نشان از بی‌صداقتی دارد که سمبلش شهر تهران است. از مواردی که ریسک را در ایران نشان می‌دهد، می‌توان به حوادث طبیعی مثل زلزله، سیل و خشک‌سالی اشاره کرد. مورد دیگر بحران‌های مالی و سقوط بازار در کشورهاست که عمده آنها در کشور ما ناشی از افزایش قیمت ارز است که به وسیله سیاست‌گذاران این ریسک‌ها بر جامعه و اقتصاد تحمیل می‌شود. مورد دیگر ناتوانی دولت‌ها در پرداخت دیون خارجی‌شان است که اگر چنین اتفاقی بیفتد، کانون‌هایی که در مورد ایران وجود دارد، کلان‌شهرها هستند که بیش از همه در معرض این آسیب هستند. مورد دیگر شوک قیمت‌های نفتی است که اگر قیمت‌های نفتی دچار نوسان شود اقتصاد ایران در کدام مناطق بیشتر آسیب می‌بیند که باز کلان‌شهرها بیشترین آسیب را می‌بینند و تهران از همه مهم‌تر است. مورد بعدی ریسک جنگ‌های بین کشورهاست که عمدتا از آمریکا به بقیه دنیا صادر می‌شود و ما در کانون جایی قرار داریم که بیشترین ریسک و خطر بروز جنگ در آن وجود دارد. همین‌طور بحث تروریسم که یکی از مخاطرات جدید است که کشورهای دنیا با آن روبه‌رو هستند. قطع برق و آسیب‌های ناشی از آن در مناطق بزرگ کلان‌شهرهای ایران است که بیشترین آسیب را می‌بینند. یکی دیگر از بحران‌هایی که جوامع با آن روبه‌رو هستند حملات سایبری است که می‌تواند در بسیاری از حوزه‌های حیات جمعی اختلال ایجاد کند. حوادث ناشی از نیروگاه‌های هسته‌ای نیز در مناطق جنوبی ایران ممکن است رخ دهد. بیشترین ریسک بیماری‌های مسری انسانی در مناطق مرکزی و غربی کشور که عمده جمعیت در آنجا هستند، وجود دارد. نکته قابل توجه و نهایی اینکه، جمع‌بندی این ریسک‌ها باعث می‌شود مخاطراتی متوجه تولید ناخالص داخلی شود که بیشترین آسیب را شهر تهران متحمل می‌شود.

> **نظام تصمیم‌گیری‌های اساسی و مدیریت شهری، تهران را به صورت یکی از پرریسک‌ترین شهرهای جهان درآورده. در مطالعه‌ای که اخیرا از سوی دانشگاه کمبریج انجام شده و در آن پرریسک‌ترین شهرهای جهان را طبقه‌بندی کرده‌اند از بین ۳۰۰ شهر در دنیا تهران پنجمین شهر پرریسک جهان بعد از تایپه، توکیو، سئول و مانیل است**

۱۲۰ میلیارد دلار، هزینه ریسک تهران

جمع‌بندی ریسک نشان می‌دهد حدود ۱۲۰ میلیارد دلار هزینه ریسک‌هایی است که از ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵ می‌تواند متوجه تولید ناخالص داخلی کشور و شهر تهران شود. کشورها به پنج لایه تقسیم شده‌اند. دو لایه اول بیشترین ریسک را دارند. تهران در لایه دوم است. در لایه‌های بعدی نیز به‌ترتیب میزان ریسک کشورها کاهش پیدا می‌کند. با وجود همه این تصویر پیچیده و خطرناک که در مقابل شهر تهران و کشور وجود دارد راه‌حل چنین شرایطی مردمی‌کردن اقتصاد است؛ اقتصادی که همه بتوانند در آن مشارکت کنند و در تولید حصول اجتماعی سهیم باشند. در چنین اقتصادی اشتغال کامل، هدف سیاست‌گذاری‌های بخش عمومی است. اقتصاد پایدار و مولد، اشتغال شایسته، اشتغالی که همراه با دستمزد شایسته است. اشتغال شایسته به شغلی گفته می‌شود که فرد ولو اینکه نازل‌ترین مشاغل اجتماعی را انجام می‌دهد از اجرای شغلش راضی است، ولو اینکه رفتگر خیابانی است به لحاظ اینکه فرهنگ جامعه به این درک رسیده که رفتگر اگر نباشد کاری از دست پزشک و جراح برنمی‌آید، به همین دلیل اهمیت اجتماعی چنین شغلی می‌تواند موجب این درک شود که افراد نسبت به شغلی که دارند احساس رضایت کنند. هم‌زمان باید دستمزد شایسته به این مشاغل پرداخت شود که زندگی فرد و خانواده‌اش به‌خوبی برقرار باشد. اقتصاد مشارکتی نیازمند شکل‌گیری نهادهای مشارکتی است. یکی از نهادهای مؤثر در شکل‌بخشی به چنین اقتصادی در سطح اقتصاد تهران، بودجه‌ریزی مشارکتی است. به این معنا که در این شیوه بودجه‌ریزی از سطوح محلات، نمایندگان شهروندان انتخاب شده و اولویت‌های محله‌شان را تعیین می‌کنند و بعد رتبه‌بندی می‌کنند و براساس آن بودجه محله و منطقه شکل می‌گیرد و بعد شهردار منطقه بودجه را برای آن دسته از فعالیت‌هایی که شهروندان اولویتشان را تعیین کرده‌اند تخصیص خواهد داد و نه اینکه در ستادهایی که مرکزی است و منافع طبقات و گروه‌های خاصی را تأمین می‌کند. به همین دلیل یکی از راهکارهای خروج تهران از وضعیت کنونی، بودجه‌ریزی مشارکتی است. فقط اقتصاد سیاسی تهران به اقلامی که گفته می‌شود از جمله بدهی‌ها، بودجه سالانه (که بودجه تهران معادل بودجه ۲۸ استان کشور است) فقط به این ختم نمی‌شود که بودجه تهران سالانه ۲۰ هزار میلیارد تومان است یا اینکه اقلامی به همین میزان بدهی دارد، بلکه قوانین و مقرراتی که روی زمین وضع می‌شود و نهادهایی که از طریق اعمال نفوذ می‌توانند مناطق را دسته‌بندی کنند و اجازه ساخت‌وساز در مناطق مختلف را دریافت کنند ظرفیت‌های بسیار بزرگی در حوزه اقتصادی شکل می‌دهند. متأسفانه تبعات چنین اقتصادی رشد جریان گرایش اقتصاد شهر تهران به سمت سائوپائولویی‌شدن است و تمام شواهدش هم به‌سرعت متأسفانه در حال شکل‌گیری است. اگر روند تخریب و نابرابری‌های فاحشی که در جامعه به‌سرعت در حال شکل‌گیری است کنترل نشود، به‌زودی شاهد شکل‌گیری همین اقتصاد سائوپائولویی در ایران هستیم با این تفاوت که سائوپائولو در قلب یک کشور صنعتی شکل گرفته اما این نابرابری‌های عظیم اصلی‌ترین منشأ نابرابری‌های اجتماعی است که در آن همه‌جور اشکال جرم و جرائم به‌وفور یافت می‌شود که منشأ ناامنی برای همان سرمایه‌داران است.

تلنگر

براساس ادعای قالیباف

روحانی ۴،۵ میلیون شغل ایجاد کرد

● **ایلنا:** محمدباقر قالیباف ادعا کرد «در صنایع پتروشیمی به ازای هر یک میلیون تُن به صورت مستقیم ۲۰۰ هزار شغل و به صورت غیرمستقیم ۴۰۰ هزار شغل ایجاد می‌کنیم و ما قادریم با سرمایه داخلی و با تکنولوژی داخلی و با سرمایه‌گذاری‌هایی که شده، هشت میلیون تن به ظرفیت پتروشیمی اضافه کنیم که معنی‌اش یعنی یک‌میلیون‌و ۶۰۰ هزار شغل مستقیم و بیش از سه میلیون شغل غیرمستقیم است». مرضیه شاهدایی در ۲۰ بهمن ۱۳۹۵ اعلام کرد تولیدات پتروشیمی کشور به ۶۴ میلیون تن رسیده است. وی گفته ۷،۵ میلیون تن افزایش تولید نیز در دولت یازدهم اتفاق افتاده است. اسحاق جهانگیری نیز از برنامه برای افزایش تولیدات پتروشیمی تا ۱۳۰ میلیون تن خبر داده است. ادعای قالیباف اگر درست باشد که هر یک میلیون تن تولید پتروشیمی ۲۰۰ هزار شغل مستقیم و ۴۰۰ هزار شغل غیرمستقیم درست می‌کند، پس با تولید ۶۴ میلیون تن مواد پتروشیمی باید ۱۲میلیون‌و ۸۰۰ هزار نفر ایرانی به صورت مستقیم در صنایع پتروشیمی و ۲۵میلیون‌و ۶۰۰ هزار نفر به صورت غیرمستقیم در صنایع مرتبط با پتروشیمی کار کنند. این یعنی فقط ۳۸میلیون‌و ۴۰۰ هزار ایرانی در صنایع مرتبط با پتروشیمی کار می‌کنند؛ بد نیست بدانید کل شاغلان کشور حدود ۲۵ میلیون نفر است. تولید پتروشیمی کشور وقتی به ۱۳۰ میلیون تن برسد، آن وقت با محاسبات آقای قالیباف ۷۶میلیون‌و ۸۰۰ هزار نفر مستقیم یا غیرمستقیم در صنایع پتروشیمی کار خواهند کرد. اگر ادعای آقای قالیباف مبنی بر ایجاد ۶۰۰ هزار شغل مستقیم و غیرمستقیم با هر یک میلیون تن تولید مواد پتروشیمی درست باشد، دولت روحانی با اضافه‌کردن ۷،۵ میلیون تن به تولید پتروشیمی کشور باید چهارمیلیون‌و ۵۰۰ هزار شغل ایجاد کرده باشد. پس نتیجه می‌گیریم که مشاوران اقتصادی آقای قالیباف از اقتصاد و بالاخص بخش اشتغال هیچ نمی‌دانند. این شما هستید که باید تصمیم بگیرید می‌خواهید به وعده‌های کسی اعتماد کنید که ادعا می‌کند در چهار سال درآمد ملی ایرانیان را دو برابر می‌کند و فقط با اتکا به پتروشیمی ۱،۶ میلیون شغل ایجاد می‌کند و اصلا نمی‌داند که اگر پتروشیمی چنین ظرفیتی برای اشتغال‌زایی داشت، سال‌ها پیش کل بی‌کاری در ایران ریشه‌کن شده بود و باید کارگر از خارج وارد می‌کردیم.

JEON
Since 1960

The Roof

خاص باشید... فضایی متفاوت...

پاسداران، نبش بهستان هشتم، ساختمان آبتین، طبقه ۷
۲۲۷۹۱۲۱۹
۲۲۷۹۱۲۷۵